

ماجرای واکنش رهبر انقلاب به آخرین شعر مشفق کاشانی

۲ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۰۹

جناب مشفق چه از نظر سخاوت مالی و بخشنده‌گی و چه از وجه جوانمردی زبانزد بود. به نظرم کسانی که در دنیا بر مردم سخت گرفتند خداوند نیز بر آن‌ها سخت گرفت اما استاد هیچ گاه بر کسی سخت نگرفت و خداوند هم او را خیلی راحت از این دنیا برد. ایشان با مردم از جوانمردی رفتار کرد و خداوند نیز با بخشنده‌گی با او رفتار کرد.

مراسم بزرگداشت استاد مشفق کاشانی با حضور صلاحی ریاست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، عبدالحسینی معاون هنری سازمان، احمد مسجد جامعی، هنرمندان شاعران و خانواده آن مرحوم در موزه ادبی هنری امام علی (علیه السلام) برگزار شد.

در ابتدای این نشست احمد مسجد جامعی به صحبت پرداخت و گفت: خاطرم هست که عنایت الله رضایی در تلویزیون آلمان با یک شخص مصری صحبت می کرد. او از این مصری پرسید که چگونه بود که شما بعد از ظهور اسلام در مصر، از میراث فرهنگی خود جدا شدید؟ برای مثال شما زبانتان را به عنوان شاخص ترین موضوع فرهنگ خود از دست دادید؟ این مصری در جواب گفت که به این دلیل بود که ما فردوسی و شاهنامه نداشتیم. البته من قبلا این حرف را از طه حسین نیز شنیده بودم اما به نظرم این جواب برای پاسخ به این سوال کافی نیست و بخشی از پاسخ است.

وی ادامه داد: فردوسی محصول یک روح و تمدن و زمانه است. برای مثال اگر دقت کنید می بینید که در دوره فردوسی افراد زیادی بودند که به داستان های قهرمانی کهن روی می آوردند و البته فردوسی این توفیق را پیدا کرد تا این نوشته را داشته باشد. باید به این پرسش پاسخ داد که تفاوت فردوسی با دیگران چه بود؟ جواب این است که فردوسی نورانیت اسلام را در نگاه علوی پذیرفت و به آن احترام گذاشت. برای مثال او در بیت زیر می گوید: به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر از اندیشه بر نگذرد. او در این بیت خرد و اندیشه را با هم آورده است.

مسجد جامعی افزود: در میان شاعران هر کس که نسبت بیش تری با مفهوم عقلانیت و عقل داشت، حتی اگر شیعه هم نبود اما احترام می گذاشت. هم چنین اگر کتاب های شیعی را هم نگاه کنید می بینید که هیچ کدام با توحید شروع نشده است. همگی با عقل شروع شده است چرا که بدون عقل نمی توان به توحید رسید. پس فردوسی به عنوان روایت گر روح ایرانی خود به این

موضوعات اشاره می کند. در حقیقت کسی که این چنین ویژگی هایی دارد ، می تواند تفاوت دو فرهنگ ایران و مصر را رقم بزند.

وی اضافه کرد: اگر بخواهیم پرسش بالا را پاسخ دهیم، شاید جواب عامیانه برای آن وجود فردوسی و شاهنامه باشد اما جواب کامل تر وجود شعر و شاعری در ایران به صورت قوی است. برای مثال اگر فردوسی می گوید که دست رستم را چرخ بلند هم نمی تواند ببندد به خاطر قدرت و زور رستم نیست بلکه به خاطر روح بلند ایرانی او است و آن توانی در ایرانیان است که حتی از مغول ها نیز انسان های تربیت شده ای می سازند.

او به استاد مشفق کاشانی اشاره کرد و گفت: به نظرم مشفق یکی از جلوه های روح ایرانی بود. بزرگ منشی از ویژگی های شخصیتی ایشان بود که بخشی از آن ها را نیز در شعر ایشان می بینیم. جلوه شیعی در زندگی ایشان و در شعرش متجلی بود. خاطرم هست بعد از پذیرش قطعنامه توسط امام که واقعا نشان گر روح بلند ایشان بود، تصمیم گرفتم که مجموعه ای از شعر جنگ را چاپ کنم. از افراد زیادی کمک خواستم اما نشد. اما هنگامی که به آقای مشفق گفتم ایشان استقبال کردند و یک مجموعه شعر جنگ را در زمان صلح تهیه کردیم و چاپ کردیم. وقتی که استاد گذاشتند یک مجموعه از شعر پایداری ایجاد شد تا نگذارد شور و عشق حماسه در کشور ما خاموش شود.

در ادامه این نشست سهیل محمودی صحبت کرد و درباره ی اهمیت غزل به صحبت پرداخت و گفت : غزل یکی از قالب های شاخص جهان است. معمولا قالب های ادبی اسمشان را از نحوه فرم ظاهری خود می گیرند. این در حالی است که غزل در ادب فارسی و در ادب جهان مبتنی بر فرم خود یعنی اظهار عشق و محبت است. به نظرم استاد مشفق یکی از نمونه های موفق غزل میانه و مفصل است که غزل سنتی گذشته را به غزل نیمایی ربط می دهد. اشخاصی هم چون اخوان، اوستا، سایه، ابتهاج و ... از سراینده ای غزل میانه هستند که البته سهم مشفق به عنوان پیوند دهنده ی نسل ها بسیار زیاد است. به نظرم به این بخش از هنر ایشان باید توجه بیش تری صورت گیرد. باید توجه کرد که غزل فقط به معنای نوشتن نیست بلکه رفتار ها را هم شامل می شود. مشفق باهمان عشق ورزی که در شعرش بود نیز با بقیه رفتار می کرد. در حقیقت مشفق یکی از پیوند دهندگان بین پدران و پسران هم نسل من بود که در سال ۱۳۶۰ او را برای اولین بار هماره با مهرداد اوستا دیدم.

محمودی در پایان صحبت های خود گفت: جناب مشفق چه از نظر سخاوت مالی و بخشندگی و چه از وجه جوانمردی زبانزد بود. به نظرم کسانی که در دنیا بر مردم سخت گرفتند خداوند نیز بر آن ها سخت گرفت اما استاد هیچ گاه بر کسی سخت نگرفت و خداوند هم او را خیلی راحت از این دنیا برد. ایشان با مردم از جوانمردی رفتار کرد و خداوند نیز با بخشندگی با او رفتار کرد.

سخنران بعدی این مراسم حسین اسرافیلی بود. او گفت: به نظرم مشفق کسی بود که همه ی مکارم اخلاقی که ما در روابط اجتماعی خود دوست داشتیم داشته باشیم، در وجود خود داشت. ایشان ما را زبانی به نیکویی دعوت نمی کردند بلکه از عملکردشان این دعوت به نیکویی را یاد می گرفتیم. استاد نیاز های معنوی ما را به عنوان شاگرد بر طرف می کرد. به نظرم بخشندگی ، مهربانی و فروتنی ایشان ریشه در اصالت خانوادگی و بزرگ منشی ایشان داشت.

سپس عبدالجبار کاکایی به روی صحنه آمد و درباره ی استاد مشفق صحبت کرد و گفت: همان طور که اشاره شد استاد در حوزه غزل مفصل سرآمد بودند. در این باره باید گفت که پس از فراگیر شدن ادبیات نیمایی بسیاری از شاعران که نسبت به آن حرف داشتند به سبک های دیگر گرایش پیدا کردند. اما ساختار مند کردن غزل شیوه ای بود که در شعر شاعران این حوزه به ویژه استاد مشفق وجود داشت. به نظرم علاوه بر پرداختن به ویژگی های اخلاقی ایشان باید به نقشی که ایشان در غزل معاصر داشتند اشاره کرد و آن را نیز پر رنگ کرد. در حقیقت برجسته کردن خصلت شاعران غزل میانه، ساختار مند کردن موضوع و مضمون بود. شاید در شعر آقای مشفق بیتی نباشد که بتوان به خاطر سپرد اما واقعا معانی و ترکیبات و تشبیهات زیبا است که نمی توان خواندن آن را رها کرد. سبک شعری ایشان سبک عراقی است که در آن تغزل عاشقانه تر است.

وی ادامه داد: اتفاقات سال ۱۳۲۰ شاید باعث می شد که نگاه شاعر به اتفاقات تلخ باشد. مشفق در زبان شعری خود از اضافات تشبیهی و ترکیبات زیبا استفاده می کرد و تصویر سازی می کرد. ویژگی دیگر شعر او طبیعت گرا بودن بود. از این موضوع به عنوان ابزار احساسات درونی خود استفاده می کرد. یکی از نکاتی که در شعر ایشان وجود داشت مطالبات اجتماعی بود. در حقیقت ایشان جدای آن که خاستگاه دینی و اعتقادی داشت، مطالبات اجتماعی نیز داشت و این باعث شد که او پیوند با انقلاب اسلامی داشته باشد.

در ادامه کلیپی از اثر های خوانده شده توسط محمد گلریز پخش شد که ترانه سرا آن استاد مشفق بود. سپس محمد گلریز به روی صحنه آمد و گفت: شاید اکنون کسی که به موسیقی ملی ما می پردازد سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است. ما در معرض شدید ترین تهاجم فرهنگی و به ویژه در موسیقی مبتذل می باشیم. متأسفانه بانیان هنر نیز مثل وزارت ارشاد، صدا و سیما و حوزه هنری همین طور نگاه می کنند و کاری نمی کنند. حتی گاهی اوقات می شنویم که می گویند ما باید خودمان این ها را بسازیم. در حقیقت موسیقی ملی ما در حال نابود شدن است.

وی بیان داشت: دو اتفاق در کارهای هنری من است که باعث افتخار من است. اولی سرود درباره ی شهید مطهری است که شعر آن را حمید سبزواری گفته بود. ما با این سرود توفیق پیدا کردیم تا پیش امام خمینی (رحمت الله علیه) برویم. آن روزها جو سنگینی در دنیای موسیقی در کشور وجود داشت اما به نظرم تنها کسی که از این موسیقی حمایت کرد خود امام بودند. در آن مجلس که رفتیم، حاج احمد آقا در ابداء و به نقل از خود امام صحبت هایی داشتند. ایشان فرمودند که در قالب همین سرودها فعالیت کنید و گفتند که سلاقی مختلفی داریم باید کاری بسازید که همه بشنوند. بعد از این صحبت ها به اتاق امام رفتیم و هنگامی که خارج می شدیم اما دوبار فرمودند که خدا در پناه اسلام حفظتان کند. به نظرم این دیدار نقطه عطفی در وسیقی ملی ما بود.

این خواننده خاطر نشان کرد: اواخر دوران آقای دکتر حسینی خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم. آقای مشفق از شعر های خود غزلی را خواندند که بیت اول آن این بود: گوش هوشی است اگر پنجره باز است اینجا/ نغمه مرغ سحر روح نواز است اینجا. آقا نیز

هنگامی که شعر تمام شد به من گفتند که «این شعر را بخوانید که بیت اول آن به ده ها مقاله و متن می ارزد. من با آثار ایشان چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب آشنا بودم.» به نظرم باید از این فرصت استفاده کرد و در این بازار موسیقی مبتدل به موسیقی ملی توجه بیش تری کرد.

سپس ساعد باقری گفت: استاد مشفق از نوزادی که سلوکش بود مراقبت کرد که آلوده نشود. استاد بعد از دوره بازگشت نسل جدید در غزل ایجاد کردند و البته نقش خود را نیز به خوبی بازی کردند و هنوز هم می بینیم که غزل پویا است. به نظرم آن چیزی که در شخصیت استاد مشفق و اوستا است اصالت است. خیلی ها تا زمانی که چند ترکیب می بینند اعتراض می کنند که شعر جدید بیاور در حالی که اگر این شعر بر ریشه ها استوار باشد موضوع متفاوت است. به نظرم در برخورد با غزل باید در ابتدا برخوردی مانند مخاطب عام داشته باشیم و سپس نقد کنیم. چون ممکن است که به روح اثر توجه نکنیم. استاد مشفق مشوقی عمیق و جدی برای نسل ما بود.

سخنران آخر این مراسم محمود صلاحی ریاست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بود. او گفت: کار شاعر پیوند دادن دل ها به هم است. امروز خانه شعر هم زمان با بزرگداشت استاد افتتاح می شود و ۹۰ امین سالگرد تولد ایشان نیز است. باید برای این افراد تولد گرفت چه آن هایی که زنده اند و چه آن هایی که مرده اند. به نظرم این افراد نمرده اند چرا که هر کس شعر مشفق را بخواند او متولد می شود. باید به مفاخرمان به ویژه مفاخر معاصر توجه بیش تری داشت و ما به معاون هنری ماموریت دادیم که هر ماه یک بزرگداشت برای هنرمندان چه آن هایی که در قید حیات هستند و چه نیستند، داشته باشد. هم چنین قرار بر این شد که هر فصل یک آلبوم موسیقی توزیع شود اولین آن در ماه محرم خواهد بود که تلویزیون هم استفاده کند. آلبوم های دیگر نیز به مناسبت های دیگر و اعیاد ملی و مذهبی منتشر می شود. ما نباید بگذاریم هنرمندان مان از دست بروند و باید آن ها را به جوانان خود معرفی کنیم. البته این ماموریت معاون فرهنگی شهرداری است که انجام خواهیم داد.

صلاحی در پایان چند بیت از اشعار افشین علا را خواند.

در انتهای این مراسم از خانواده مرحوم مشفق تقدیر شد. تقدیر نامه و هدیه ای به دختر آن مرحوم اهدا شد. در این بخش دختر استاد مشفق در سخنانی کوتاه گفت: از همه به ویژه ریاست سازمان و معاون هنری ایشان تشکر می کنم. نزدیک به ۶ ماه است که پدرم رفته است اما واسطه های عاطفی ما قوی بوده است که بعد از ایم مدت نیز قوی تر هم شده است. این انرژی است که از متوفی به بازمانده ها می رسد. پدر و مادر واسطه های فیض و نعمت خداوندی هستند که باید مورد تکریم واقع شوند. فرزندان نیز باید قدرشناس باشند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۵۱۷/واکنش-ماجرای-آخرین-انقلاب-رهبر-واکنش-ماجرای-۲۱۵۱۷>